



نوع مقاله: ترویجی

نقش احسان مالی در رشد یا تربیت اخلاقی با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی*

سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

smrnm1346@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-1590-0856 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

چکیده

احسان مالی به معنای کمک به دیگران بدون انتظار معاوضه و مبادله مالی است و در ادبیات قرآن با واژه‌هایی مانند: انفاق، صدقه، زکات و قرض به کار رفته است. از نظر قرآن، احسان مالی در کنار عبادات در سازندگی جان انسان اثرگذار است. در گزاره‌های دینی احکام، شرایط، آداب، و آثار فراوانی برای آن مطرح شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نقش احسان مالی در تربیت و رشد اخلاقی را از دیدگاه علامه مصباح یزدی مورد بررسی قرار داده است؛ و نشان داده که جذابیت‌های دنیا، مال و اولاد، پست و مقام زمینه دل‌بستگی را به وجود می‌آورد. دل‌بستگی می‌تواند منجر به حرص، بخل و حتی کفر و شرک در انسان شود. برای در امان ماندن از این آسیب‌ها باید نخست نوع نگاه انسان به دنیا و آخرت اصلاح شود و با زهدورزی و انفاق عملی در دفع و رفع تعلقات و دل‌بستگی‌ها مقدمات قرب الهی را فراهم ساخت.

کلیدواژه‌ها: احسان مالی، تربیت اخلاقی، علامه مصباح یزدی.

مقدمه

در موضوع انفاق و صدقه منابع متعددی نوشته شده است؛ در ادامه به برخی از این منابع که به این موضوع پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم:

پایان‌نامه «نقش انفاق در تربیت انسان از منظر آیات و روایات» (صابری، ۱۳۸۵)، به فهرستی از آثار انفاق اشاره کرده و در فصل چهارم به موانع بازدارنده انفاق، مانند وسوسه‌های شیطان، حرص و آزمندی، بخل‌ورزیدن، غفلت از یاد خدا و نعمت‌های او پرداخته است. مقاله «نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن» (کاظمی‌نسب و داودی، ۱۳۹۹)، بررسی و هم‌دردی با محرومان و مستضعفان جامعه، فقرزدایی، تعدیل ثروت و جلوگیری از فاصله طبقاتی، زیاد شدن مال و ثروت، جلوگیری از فساد، رساندن فرد به سعادت دنیوی و اخروی، ایجاد همبستگی در بین افراد جامعه اسلامی را از آثار انفاق معرفی کرده است.

مقاله «بررسی انفاق در قرآن» (عبدالله‌زاده آرانی و همکاران، ۱۳۹۸)، براساس ترتیب نزول آیات، با استفاده از شیوه تفسیر موضوعی و رویکرد تاریخی، نشان داده که پیامبر ﷺ توانست ضمن بهره‌گیری از خصلت سخاوت و کرم اعراب، به تدریج ردایلی همچون فخرفروشی، تعصب، اسراف و... را از آن جامعه بزدايد و به آن رنگ توحیدی و دگردوستی ببخشد.

مقاله «نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات» (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۵)، با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مفهومی نشان داده که گرچه «انفاق» در ظاهر کاسته شدن از داشته‌های مادی انسان است؛ اما در باطن باعث ارتقای روحیه شادکامی و موجب سعادت اخروی است که با ایجاد مؤلفه‌های شناختی و رفتاری و سلب مؤلفه‌های منفی از انسان، سلامت روح و روان را به ارمغان می‌آورد. «انفاق» با تقویت وجدان اجتماعی و روحیه همدلی، در کنار ایجاد الفت و گسترش تعاملات انسانی و درمان بیماری‌های بخل و مال دوستی و سایر نقش‌های دیگر، تأثیر بالایی در ارتقای سلامت معنوی فرد و جامعه دارد.

مقاله «انفاق در اسلام» (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳)، به نقش انفاق در تعدیل ثروت و کاهش فاصله اجتماعی پرداخته و در بخشی دیگر به نقش آن در خودسازی و تزکیه نفس و رسیدن به تکامل روح آدمی اشاره کرده است.

مقاله «تأثیر اخلاقی انفاق از دیدگاه کتاب و سنت» (عرب

تربیت اخلاقی به عنوان یکی از ساحت‌های اساسی و بلکه فراساحتی، همواره مورد توجه مریبان بوده است. تربیت اخلاقی می‌کوشد با زمینه‌سازی و استفاده از روش‌ها و شیوه‌های تربیتی، از سوئی به شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و از سوی دیگر به اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگری به منظور رسیدن به فلاح و رستگاری بپردازد (همت‌بناری، ۱۳۷۹). هرچند فرایند تربیت بیشتر ناظر به فعالیت مریب است؛ اما با توجه به ترکیب دو واژه تربیت که به دیگرسازی و اخلاق که بیشتر به خودسازی ارتباط دارد، می‌توان گفت جریان تربیت اخلاقی به دو حوزه دگرسازی و خودسازی توجه دارد (همان).

دین اسلام برنامه‌ها و دستورالعمل‌های گوناگونی را در راستای تربیت انسان مطرح کرده است. بخشی از این دستورالعمل‌ها یا مسائل اخلاقی، ارتباط نزدیک با مسائل مالی دارند. انفاق و جهاد با مال، پایه‌های ثروت‌اندوزی و خوش‌گذرانی را منهدم می‌سازد و بنای یک زندگی سراسر انسانی و بافضیلت و کمال و پایداری را برای همگان فراهم می‌سازد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَا بَلَا اللَّهُ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرْهِمِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۱۹)؛ خداوند بندگانش را به چیزی سخت‌تر از انفاق و اخراج درهم و دینار مبتلا نکرده است.

علامه مصباح یزدی مسائل مالی را به دو دسته تقسیم کرده و می‌فرماید: «تخت مسائل که زیر عنوان عدل و ظلم قرار می‌گیرند؛ یعنی ملاک ارزش آنها در اصل، عدل یا ظلم است؛ دوم مسائلی که زیر عنوان احسان قرار دارند و ملاک ارزش آنها اصل احسان است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ص ۲۹۶). بخش دوم که از آن به احسان مالی تعبیر می‌شود، در جایی شکل می‌گیرد که اساس آن بر معاوضه و مبادله مادی نیست؛ یعنی وقتی کاری به نفع کسی انجام می‌شود، انتظار نمی‌رود که عمل مالی متقابلی انجام دهد. در قرآن کریم در این باره عناوین مختلفی، مانند زکات، انفاق، صدقه و اطعام و نیز عناوینی که نقطه مقابل آنها حساب می‌شوند، به چشم می‌خورد، که بعضی از آنها منحصر به موارد احسان است و مفهوم بعضی از آنها اعم است و جزء زیرمجموعه عدالت نیز قرار می‌گیرد (همان، ص ۲۹۷). از آنجاکه واژه انفاق عام بوده و همه موارد احسان مالی را شامل می‌شود، در کاربردهای بعدی به جای احسان مالی از این واژه استفاده می‌شود.

و روایی غیر از مال، شامل امور دیگر نیز می‌شود؛ چه اینکه امام صادق علیه السلام در حدیثی در تفسیر آیه «مما رزقناهم ینفقون» می‌فرماید: «أى مما علمناهم ینفون»؛ مفهوم آن این است که از علوم و دانش‌هایی که به آنها تعلیم داده‌ایم نشر می‌دهند و به نیازمندان می‌آموزند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۴، به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۷۰).

علامه مصباح یزدی می‌فرماید: ماده «انفاق» به معنای خرج کردن و هزینه کردن است و این عنوان شامل نفقه‌هایی مانند نفقه همسر و فرزندان و حتی مالی که انسان در مصارف شخصی خود هزینه می‌کند نیز می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۹۷). قرآن با واژگان دیگری مانند صدقه یا صدقات، زکات، اعطاء، ایتاء، جهاد کردن با مال، قرض‌الحسنه دادن به خداوند نیز به این موضوع اشاره کرده است.

کلمه «زکات» که با کلمه «تزکیه» هم خانواده است، در اصل لغت به معنای پاکی و رشد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۰)؛ و ظاهراً در مواردی به کار می‌رفته که با زدودن زواید چیز، زمینه رشد آن را فراهم می‌کرده‌اند؛ مانند هرس کردن درخت؛ که این عمل زمینه رشد بیشتر درخت و افزایش کمی و کیفی میوه آن را فراهم می‌کند. انسان با دادن زکات، قدری از مال خویش را جدا کرده، به دیگران می‌بخشد و این عمل منجر به رشد و بالندگی می‌شود. علامه مصباح یزدی درباره زکات می‌فرماید: «زکات» در اصطلاح فقهی، نوعی مالیات واجب شرعی است؛ مالیاتی که شارع مقدس حدود و متعلقات و مقدار و نصاب و مصارفش را تعیین کرده است. ولی در اصطلاح قرآن و در اصل لغت به آن مالیات ویژه اختصاص ندارد. به بیان دیگر، زکات در قرآن کریم اعم است از زکات واجب که در شرع تعیین شده و احسان‌هایی که انسان به اشخاص مستمند می‌کند. بنابراین اصطلاح زکات در قرآن، اعم از اصطلاح فقهی آن و اصطلاح رایج بین متشرعه است، و صدقات مالی مستحب را نیز دربر می‌گیرد؛ بلکه در بسیاری موارد کاربردهای دیگری نیز دارد که به مسائل مالی مربوط نمی‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۹۸).

کلمه صدقه از صدق، به معنای راستی و درستی و مطابقت حرف و عمل و هماهنگی گفتار و اعتقادات و اعمال جوارحی است. به مهریه زن از این جهت صدق گفته می‌شود که گواه صدق و راستی اعتقاد در

عامری و سرجوانی شیرازی، ۱۳۹۴)، اهمیت دست‌گیری و کمک به نیازمندان را توضیح داده است.

امام موسی صدر در کتاب *انفاق* (۱۴۰۰ق)، هفتمین جلد از مجموعه تفاسیر کوچک، معنای گسترده‌ای از انفاق ارائه و آن را شامل انفاق جان، انفاق علم، انفاق تجربه و غیر آن معرفی کرده است؛ و بی‌آنکه بخواهد آثار اخروی انفاق را انکار کند، آثار و فواید انفاق را در این جهان، خصوصاً برای انفاق‌کننده، توضیح داده است.

دهقان پور و بخش‌سی (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از روش سمانتیک (Semantics) به بررسی مفهومی واژه احسان در قرآن پرداخته و احسان را این‌گونه تعریف کرده‌اند: انجام هر عمل نیکی است که نیکی آن آشکار و مورد رغبت، همراه با تقوای نفس است و فرد آن عمل را در جایگاه شایسته‌اش، متناسب با ضوابط دینی و به‌عنوان عمل عبادی، در قالب خیر جوانحی یا جوارحی و با فضل و بخشش، در راستای شادی دیگران، تکامل نفس و تقرب به خدا انجام می‌دهد. بررسی آثار اخلاقی علامه مصباح یزدی نیز نشان داد که ایشان در موارد متعددی به این موضوع پرداخته‌اند.

گزارش ارائه‌شده نشان می‌دهد انفاق از زوایای مختلفی، مانند شرایط، ویژگی‌ها، آثار مختلف روحی و روانی، جسمانی و مانند آن مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در حوزه تربیت اخلاقی و تحلیل چگونگی تأثیرگذاری آن کمتر مورد توجه بوده است. از این‌رو در این پژوهش تلاش شده ضمن اشاره‌ای گذرا به مقدمات این موضوع در حوزه اهمیت، شرایط و آثار انفاق؛ چگونگی ارتباط و اثرگذاری احسان مالی (به‌طور خاص انفاق) بر رشد اخلاقی با توجه به دیدگاه علامه مصباح یزدی را مورد بررسی قرار دهد.

۱. مفهوم انفاق، زکات و صدقه

با توجه به اینکه سه واژه انفاق، زکات و صدقه بیشترین کاربرد را در احسان مالی دارند؛ به تعریف این سه واژه می‌پردازیم:

«نفاق» در لغت به معنای گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن یا تمام شدن آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۰۲)؛ و در اصطلاح بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است، که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال‌های خویش است در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۵۲). این واژه در کاربردهای قرآن

دوستی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۸).

با توجه به تعاریف ارائه شده، واژه احسان مالی بر انفاق، زکات و صدقه صدق می‌کند؛ هرچند در کاربردهای قرآنی و روایی و عرفی این سه واژه شامل موضوعات غیرمالی نیز می‌شوند.

۲. اهمیت و منزلت انفاق در قرآن کریم

قرآن کریم ضرورت و اهمیت انفاق را از زوایای مختلف مطرح کرده است؛ در ادامه به این موارد اشاره می‌کنیم:

معرفی انفاق به عنوان وصف بندگان خاص خداوند مانند ابرار (انسان: ۹)، عباد الرحمن (فرقان: ۳۷)، صادقیین، مؤمنین (قصص: ۵۴ و ۵۲) و متقین (حج: ۳۴ و ۳۵).

هم‌ردیف قرار دادن انفاق با اعمال نیک و عبادات، مانند ایمان به (غیب، قیامت، ملائکه، قرآن و انبیای الهی، اقامه نماز) (رعد: ۲۲؛ بقره: ۳)، جهاد در راه خدا (نساء: ۹۵)، شب‌زنده‌داری (سجده: ۱۶)، صبر، صدق، خضوع، استغفار (آل عمران: ۱۷)، تجارت با خداوند (فاطر: ۲۹)، سفارش به انفاق کردن در دنیا پیش از فرا رسیدن قیامت (ابراهیم: ۳۱) و توبیخ مؤمنان به سبب انفاق نکردن (حدید: ۱۰)، برشمردن آثار دنیایی مادی برای انفاق، مانند جبران و افزایش اموال (سبأ: ۳۹؛ انفال: ۶۰؛ بقره: ۲۴۵)، و امنیت اجتماعی (بقره: ۱۹۵)، بیان آثار معنوی و اخلاقی، مانند پاک‌شدن نفس و جان آدمی از رذایل اخلاقی (توبه: ۱۰۳)، آرامش روحی در دنیا و آخرت (بقره: ۲۷۴)، تقرب به خداوند (آل عمران: ۱۳۴)، پاداش اخروی و فرجام نیک (توبه: ۱۲۱ و ۸۸؛ روم: ۳۸ و...)، رحمت و بخشش الهی (توبه: ۲۱)، و از همه مهم‌تر توجه دادن به این نکته که خداوند خود گیرنده انفاق است (بقره: ۲۴۵)؛ یعنی در حقیقت خداوند به جهت لطفی که به بندگان دارد، مجازاً خود را در حد انسانی نیازمند تنزل می‌دهد و می‌فرماید که به من قرض دهید تا چندین برابر به شما ببخشم (بقره: ۲۴۵).

این همه و موارد دیگری که در قرآن آمده است، اشاره به اهمیت و جایگاه انفاق در زندگی انسانی و دینی دارد.

۳. آداب و شرایط انفاق

خداوند متعال به شرایط انفاق که رعایت آن نقش تکوینی و حقیقی در تربیت و سازندگی اخلاقی و رسیدن به کمال انسان دارد، اشاره کرده است. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

۳-۱. اسلام و ایمان

«ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (حدید: ۷)؛ به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و از آنچه (از اموال) شما را در آن جانشین (خود و گذشتگان) قرار داده، انفاق کنید؛ پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کردند، (در آخرت) پاداش بزرگی خواهند داشت.

۳-۲. پرهیز از منت‌گذاری

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (بقره: ۲۶۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت آزدن باطل نکنید. کسی که چیزی به دیگری می‌دهد و منتی بر او می‌گذارد و یا با آزار خود او را شکسته دل می‌سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است؛ زیرا اگر سرمایه‌ای به او داد، سرمایه‌ای هم از او گرفته است؛ و چه بسا آن تحقیر و شکست‌های روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است. امام جواد^ع با استفاده از این آیه می‌فرمایند حتی با منت گذاشتن و طلب‌کاری از خداوند، انفاق‌های خود را از بین نبرید (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۳۴).

۳-۳. انفاق از مال حلال

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره: ۲۶۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از پاکیزه‌ها و حلال‌های آنچه کسب کرده‌اید، انفاق کنید. این آیه درباره گروهی نازل شده که ثروت‌های فراهم‌آمده از طریق ربا را در راه خدا انفاق می‌کردند. در این باره نیز امام صادق^ع به شخصی که با مال دزدیده شده انفاق می‌کرد، فرمود: خداوند تنها از پرهیزکاران اعمال خیر را می‌پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (انعام: ۲۷).

۳-۴. انفاق از چیزهای محبوب

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲)؛ از دیدگاه قرآن ابرار کسانی‌اند که با وجود علاقه‌مندی به مال، آن را به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند: «لَنْ الْأَبْرَارِ... وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ یتیمًا وَ أسیرًا» (انسان: ۸)، علامه مصباح یزدی در این باره می‌فرمایند: شرط انفاق در قرآن، مرغوب بودن مالی است که انفاق می‌شود؛ یعنی از چیزهای بی‌ارزش و دورریختنی و چیزهایی که خود انفاق کننده به آن رغبتی ندارد، نباید انفاق کند. البته معنای این سخن آن نیست که

مصباح یزدی در این باره می‌فرماید: «صدقه دادن پنهانی، هم فایده فردی برای انفاق کننده دارد که دچار ریاکاری نمی‌شود و به اخلاص نزدیک تر است و هم فایده اجتماعی دارد که آبروی فقیران مؤمن در جامعه حفظ می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۶). قرآن در این باره می‌فرماید: «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» (ابراهیم: ۳۱)؛ به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند. انفاق علنی که برای تبلیغ و ترویج این کار نیک انجام می‌گیرد، بسیار ارزشمند است. باید توجه داشت که بین انفاق به منظور یادگیری دیگران تا انفاق برای تجلیل آنها، مرزی بسیار باریک است که اگر دقت نشود، انفاق ریایی می‌گردد.

انفاق علنی به جهت تبلیغ و ترویج این کار نیک انجام می‌گیرد؛ یعنی ما برای آنکه دیگران هم از ما الگو بگیرند و به این کار خیر تشویق شوند، انفاق را در پیش چشم دیگران انجام می‌دهیم. البته در چنین مواردی انسان باید بسیار مراقب باشد که ریا و خودنمایی در عملش راه پیدا نکند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷).

۳-۷. کوچک شمردن انفاق خود

«وَلَا تَمُنَّ بِتَسْكُوتِكُمْ» (مذثر: ۶)؛ به هنگام انفاق، منت مگذار و آن را بزرگ مشمر. علامه مصباح یزدی می‌فرماید: حقیقت آن است که کم یا زیاد شمردن، نسبی است؛ یعنی قدر مطلق آنها - هرچه هست - ثابت است؛ اما وقتی با چیزی دیگر سنجیده می‌شود، کم یا زیاد جلوه می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۷۷). بنابراین انسان باید عبادت و عمل خیر خود را در مقایسه با نعمت‌های الهی و عبادت‌ها و انفاق‌های انسان‌های الهی ببیند، آنگاه شکر و تواضع در وی رشد می‌کند و اگر غیر از این باشد دچار غرور و خودخواهی خواهد شد.

۳-۸. ایثار

«وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹)؛ آنها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود به آنچه می‌دهند نیازمند باشند. ایثار هنگامی انجام می‌گیرد که خود انسان منفق نیازمند و محتاج باشد که در این صورت نهایت اخلاص و از خودگذشتگی و فداکاری شخص انفاق کننده را به نمایش می‌گذارد.

اگر مالی دارد که مورد نیاز خودش نیست، آن را به فقیران ندهد؛ بلکه منظور این است که پیوسته به فکر این نباشد که چیزهای واپس زده و دورریختنی خود را انفاق کند؛ بلکه بکوشد از دوست‌داشتنی‌هایش انفاق کند. این آیه بر همین شرط تأکید دارد. اولیای خدا وقتی از مالی خوششان می‌آمد، همان را در راه خدا انفاق می‌کردند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۳، ص ۳۱۷).

۳-۵. میانه‌روی در انفاق

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (اسراء: ۲۸)؛ و آنان که چون انفاق کنند، نه اسراف و تجاوز از حد کنند و نه سخت‌گیری کرده و پایین‌تر از حد روند؛ و (انفاقشان) میان این دو روش، حد وسط و عادلانه است. در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۳۹). هرگز دست خود را بر گردنت زنجیر مکن و بیش از حد دست خود را مگشای! تا مورد نکوهش قرار نگیری. گاه برای اثبات این امر به تعابیر دیگری همچون عدم تبذیر در آیه «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا» (اسراء: ۲۶) استناد شده است. آیت‌الله جوادی آملی درباره تعبیر «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳) می‌نویسند: واژه انفاق و مشتقات آن در آیات متعدد با من تبعیضیه ذکر شده که بیانگر انفاق بخشی از اموال است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶۸).

در فرهنگ اسلامی، میانه‌روی به منزله یک اصل و معیار و یکی از ویژگی‌های مؤمنان و افراد آگاه، در شئون زندگی معرفی شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۶). در مقابل، افراد نادان و ناآگاه، اهل افراط و تفریط اند؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «لَا يُرَىٰ الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۷)؛ دیده نمی‌شود جاهل، مگر آنکه یا افراط می‌کند یا تفریط.

۳-۶. انفاق پنهانی

«إِن تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَاهِي وَ إِن تَخْفَوْهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ» (بقره: ۲۷۱)؛ اگر صدقه‌ها را آشکار سازید کاری نیکوست و اگر آنها را پنهان دارید و به فقرا بدهید، آن برای شما بهتر است و (خداوند) از گناهان‌تان می‌زداید. علامه

۳-۹. انفاق در شرایط دشوار

«لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى» (آل عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴): هرگز کسانی از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و جهاد کردند (با دیگران) یکسان نیستند؛ آنها از حیث درجه بزرگ‌ترند از کسانی که پس از فتح انفاق و جهاد کردند و خداوند به هریک وعده (پاداش) نیکو داده و خدا از آنچه عمل می‌کنید، آگاه است. اگرچه انفاق در حال گشایش روزی و عدم وجود نیاز شدید، سفارش شده است؛ اما انفاق در شرایط بحرانی و دشوار از اجر بیشتری برخوردار است. از این رو قرآن کریم انفاق قبل از فتح را که دوره مشقت مسلمانان بود، برتر از انفاق پس از فتح دانسته است. همه شرایط پیش‌گفته نقش مهم و اثرگذاری بر تربیت و رشد اخلاقی انسان دارند؛ اما نقش اخلاص و دوری از ریا نقشی بی‌بدیل و حائز اهمیت دارد؛ از این رو با تفصیل بیشتری به آن می‌پردازیم.

۳-۱۰. انفاق بی‌ریا و خالصانه

«وَالَّذِينَ يُفْقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا» (نساء: ۳۸): و کسانی که اموال خود برای خودنمایی و ریاکاری به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز جزا ایمان ندارند [شیطان یار آنهاست] و کسی که شیطان یار و همراه او باشد، چه بد یار و همدمی است. از این آیه دو نکته استفاده می‌شود: نخست اینکه ریاکار به خدا و روز جزا ایمان ندارد؛ یا اگر دارد، بسیار سست است؛ که اگر ایمان محکمی داشت، کارش را برای خشنودی غیر خدا انجام نمی‌داد؛ و دوم اینکه، ریاکاران در واقع رفیق شیطان‌اند و کسی که رفیق شیطان باشد، عاقبت خوبی نخواهد داشت؛ چراکه شیطان پیوسته انسان را به بی‌راهه می‌کشاند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶). کسی که کاری را از روی ریا انجام می‌دهد در حقیقت غیر خدا را در آن کار شریک قرار داده است و نتیجه آن بی‌ارزش شدن آن کار خواهد شد. در حدیثی قدسی در این باره این‌گونه آمده است: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ فَمَنْ عَمِلَ لِي وَلِعِيْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ غَيْرِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۹۹)؛ خدای تعالی می‌فرماید من بهترین شریک هستم؛ چراکه از تمامی سهم خود هرچه هم زیاد باشد صرف‌نظر می‌کنم و آن را به شریکم می‌دهم.

نقطه مقابل ریا «اخلاص» است. اخلاص این است که انسان

عمل را فقط به قصد انجام فرمان الهی و جلب رضایت خداوند انجام دهد و غیر از این هیچ قصد و نیت دیگری همراه عملش نباشد. علامه مصباح یزدی در این باره می‌فرماید: به‌طور کلی کارهای اختیاری انسان تنها هنگامی ارزش مثبت دارد که دارای دو خصیصه باشد: نخست آنکه حسن فعلی داشته باشد؛ یعنی آن کار، خودبه‌خود و بدون توجه به اینکه فاعل آن چه انگیزه‌ای داشته است، کاری خوب و شایسته باشد. دوم اینکه حسن فاعلی داشته باشد؛ یعنی انگیزه فرد از انجام آن، انگیزه‌ای درست باشد. در این میان، آنچه مهم‌تر است «حسن فاعلی» و درستی یا نادرستی انگیزه است که می‌تواند منشأ والاترین ارزش مثبت یا بدترین ارزش منفی یک کار گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). در ادبیات دینی از حسن فاعلی یا انگیزه، به نیت تعبیر می‌شود. در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، آمده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۱۲)؛ محققاً [ارزش] کارها به نیت‌هاست و فقط برای انسان آنچه نیت کرده است می‌ماند. در فلسفه اخلاق اسلامی نیز اساسی‌ترین منشأ ارزش کار «نیت» معرفی شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، الف، ص ۶۱). از دیدگاه اسلام تحقق نیت مشروط به ایمان است. به سخن دیگر، ریشه ارزش‌ها ایمان به خدا و روز جزا برمی‌گردد. این اشاره به آن دارد که نظام اخلاقی اسلام با نظام عقیدتی آن مربوط است و نمی‌تواند از آن مستقل باشد (همان، ص ۶۶).

۴. انفاق خالصانه در قرآن

در قرآن کریم اخلاص در انفاق با عبارت‌های متفاوتی مطرح شده است؛ در سوره «انسان» می‌فرماید: «إِنَّمَا نَطَعُكُمْ لَوْجَهُ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان: ۹)؛ ما برای خشنودی خداست که شما را اطعام می‌کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. علامه مصباح یزدی در این باره می‌فرماید: تعبیر به وجه‌الله رساترین و گویاترین تعبیری است که در ارتباط انسان با خداوند مطرح شده است؛ و بیان از نزدیک شدن و مواجه گشتن با خداوند است. آنچه در این مواجهه غرض اصلی است، پیوند دوستی، و ابراز محبت است. این ارتباط و مشاهده به‌حدی از خلوص و آراستگی می‌رسد که هیچ‌کاری را بجز برای معبود انجام نمی‌دهد و هیچ چیز جز مشاهده معبود او را سیراب و شاداب نمی‌سازد. این نوع ارتباط از افراد سست

آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. براساس چنین بینشی، انفاق کننده هیچ چشم‌داشتی ندارد؛ چون وظیفه‌اش را انجام می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۹۸). رعایت شرایط گفته‌شده به‌ویژه اخلاص در انفاق، نقش اساسی در تربیت اخلاقی دارد.

۵. آثار احسان مالی و انفاق

در قرآن کریم و روایات آثار متعددی برای انفاق و احسان مالی مطرح شده است. بیان این آثار در ترغیب افراد جامعه به‌سوی این حرکت عبادی اثرگذار هستند؛ بخشی از این آثار عبارت‌اند از: آرامش روحی در دنیا و آخرت (بقره: ۲۷۴)، جبران و افزایش اموال (انفال: ۶۰؛ بقره: ۲۴۵)، امنیت اجتماعی (بقره: ۱۹۵)، رحمت و بخشش الهی (توبه: ۲۱؛ توبه: ۹۹)، و پاداش اخروی و فرجام نیک (توبه: ۱۲۱ و ۱۲۱؛ روم: ۳۸)، پاک شدن نفس از ردایل اخلاقی (توبه: ۱۰۳)، دوری از دنیا دوستی، مال دوستی و بخل، تقرب به خداوند (توبه: ۹۹). در ادامه سه مورد اخیر که بیشتر با تربیت اخلاقی ارتباط دارند را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۶. آثار اخلاقی انفاق و احسان مالی

ماهیت و ظاهر دنیا به‌گونه‌ای دلنواز و دلربا خلق شده است؛ تا انسان در مواجهه با نعمت‌ها و ظواهر طبیعی و مصنوعی آن، دلداده و مجذوب شود. علامه مصباح یزدی حکمت این زیبایی و جذابیت را این‌گونه مطرح کرده‌اند: خدای متعال از روی لطف بی‌پایان خویش بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا را با لذت همراه کرده، تا انسان به تأمین آنها اهتمام ورزد و بسیاری از رنج‌ها و سختی‌ها را تحمل کند و در نتیجه حیات او دوام یابد و برای تحصیل علم، معرفت و عبادت خداوند و انجام وظایف فرصت پیدا کند؛ تا از این مسیر با اطاعت خداوند به رشد روحی و معنوی و سعادت ابدی و حیات در بهشت دست یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۰۳). بنابراین جذابیت‌های دنیا برای حرکت و دوام حیات انسان طراحی شده‌اند. اگر انسان در ظاهر این زیبایی‌ها توقف کند، اندک‌اندک دچار دل‌بستگی می‌گردد و از حقیقت و هدف اصلی زندگی غافل می‌شود. این دل‌بستگی در مسائل فراوانی از جمله مال و ثروت که اموری اعتباری و برای گذران زندگی اجتماعی هستند، به‌وجود می‌آید. علامه مصباح یزدی در این باره می‌فرمایند: در زندگی اجتماعی نیز انسان برای تأمین نیازهای خویش و استفاده از لذت‌های دنیوی، باید

ایمان و راحت طلب و عافیت طلب ساخته نیست؛ بلکه از انسان‌های پاک‌باخته‌ای ساخته است که در همه عرصه‌های جهاد و عبادت، رضایت خداوند را جست‌وجو می‌کنند و لحظه‌ای از یاد و ذکر او غافل نمی‌گردند و در اخلاص برای خداوند به مرحله‌ای رسیده‌اند که در عمل خویش هیچ سهمی را برای دیگران و حتی برای نزدیکان خویش در نظر نمی‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۷).

در چند مورد نیز «ابتغاء مرضات الله» آمده است؛ از جمله، در سوره «بقره» می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۶۵)؛ و مَثَلُ کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا انفاق می‌کنند. در برخی از آیات انفاق با صفت و قید «فی سبیل الله» که بیشتر ناظر به حسن فعلی است، به‌کار رفته است؛ چنانچه می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۲۶۱). این بدان سبب است که انسان با انجام این‌گونه کارها در مسیری قرار می‌گیرد که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و در نهایت به خدا منتهی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱).

فقه‌ها برای این مفهوم معمولاً تعبیر «قصد امتثال» به معنای «فرمان‌برداری» و «اطاعت امر» و یا «قرب الی الله» را به‌کار می‌برند و در ادبیات فلسفی از آن به کمال نفسانی تعبیر شده است. این کمال که به ساحت معنوی و روحانی وجود انسان مربوط می‌گردد، مرتبه‌ای از وجود است که در آن، همه استعدادها و قابلیت‌های ذاتی، معنوی و انسانی شخص با سیر و حرکت اختیاری خودش به فعلیت تام می‌رسند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳).

انفاق خالصانه و با نیت الهی، با تأمین نیازهای نیازمندان در نظام‌های غیرالهی بسیار متفاوت است. انسان مؤمن، به این دلیل انفاق می‌کند که خداوند او را موظف به آن کرده و نگران ادای وظیفه است. او خود را مالک ثروت و امکاناتی که در اختیار دیگران قرار می‌دهد، نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که این ثروت و امکانات، حق نیازمندان است و او واسطه بین خدا و خلق است؛ به تعبیر قرآن کریم «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مَسْخُلِفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷)؛ انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است. وقتی انسان پذیرفت که مالک حقیقی همه هستی خداوند است و آنچه در اختیار ماست، از خداوند است و مالکیت ما بر سرمایه و دارایی‌مان اعتباری است؛ آنگاه می‌فهمد که آنچه انفاق می‌کند در حقیقت از آن خداوند است. به‌همین دلیل قرآن مجید می‌فرماید: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳)؛ از آنچه به

۷. درمان دل بستگی

برای درمان این دل بستگی و وابستگی آسیب‌زا چه باید کرد؟ به‌نظر می‌رسد برای در امان ماندن از این آسیب، نخست باید نگاه خود را نسبت به دنیا و مظاهر آن اصلاح کرد.

اگر انسان تمام زندگی را در دنیا و مظاهر آن خلاصه کند و پیوستگی آن را تا ابدیت مورد توجه قرار ندهد، بسیاری از دستورات دین و برنامه‌های آن برای انسان مبهم و بی‌ربط خودنمایی می‌کند. از این رو قرآن کریم حقیقت دنیا را در آیات فراوانی برای انسان گوشزد کرده و آن را مرحله ابتدایی از هستی و قشری کم‌مایه از آن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء: ۷۷)؛ و در آیاتی دیگر از نگاه اهل قیامت آن را زودگذر معرفی کرده و می‌فرماید: «يَوْمَ يَخْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ...» (یونس: ۴۵)؛ (به یادآور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می‌سازد، آنچنان که (احساس می‌کنند) گویی جز ساعتی از روز (در دنیا) توقف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را (بینند) بشناسند. با عنایت به همین معنا متاع دنیا را متاع فریب و غرور معرفی کرده است و می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران: ۱۸۵)؛ زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست؛ زیرا پرداختن به ظواهر دنیا، عاقبتش غفلت از آخرت و محروم ماندن از رحمت خداست. در روایت نیز پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: مردم در دنیا مهمان‌اند و آنچه در دستشان است، امانت است؛ و همانا مهمان کوچ‌کننده است و امانت بازگردانده می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۷۶) و امیرمؤمنان علیؑ در ترسیم ماهیت دنیا به فرزند خود وصیت می‌فرماید: «فرزندم، بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای، نه برای دنیا و برای رفتن، نه ماندن؛ و برای مردن نه زنده ماندن؛ و تو در منزلی هستی که از آن کوچ می‌کنی و در خانه‌ای هستی که چند روزی بیش در آن نمی‌پایی و در راه به‌سوی آخرت هستی» (همان).

چنین بینشی در مورد دنیا زمینه دگرگونی و تحول را در انسان فراهم می‌آورد تا به نصیب خود قانع باشد و برای آن بهای گزاف نپردازد و به آن دل نبندد؛ چه اینکه آنچه هم بقاء دارد و هم صلاح انسان را بار آورد، لایق دل بستگی است. به‌موازات اصلاح نگاه به دنیا، انسان نباید از مرگ و قیامت غافل باشد. از نگاه قرآن کریم گام برداشتن انسان در عرصه بزرگ قیامت و لقاء خدا، برخاسته از نوع

مال داشته باشد. از این رو به کسب مال رو می‌آورد. معمولاً انسان در کسب مال به یک حد معینی قانع نمی‌شود. معمولاً انسان‌ها عمده وقت خویش را صرف کسب مال یا مقدماتی برای یافتن کاری مناسب برای کسب درآمد کرده، در این مسیر گاه متحمل رنج و زحمت فراوان می‌گردند. طبیعتاً چیزی که با این سختی به دست آید، نزد انسان ارزش یافته، به آن دل بستگی پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که انفاق آن به دیگران برای انسان کاری بسیار سخت خواهد شد؛ حتی پرداخت واجبات مالی سخت خواهد بود، تا چه رسد به مستحبی آن (همان، ص ۴۰۴).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که این تعلق و دل بستگی چه مشکل اخلاقی برای انسان ایجاد می‌کند؟ علامه مصباح یزدی در پاسخ این پرسش می‌فرماید: تعلق انسان به امور دنیوی بسیار خطرناک است؛ اگر رشد کند، می‌تواند انسان را به کفر بکشاند؛ همان‌طور که بسیاری را به آن وادی کشانده است. دست‌کم، ضرری که به انسان وارد می‌کند این است که فکر انسان را مشغول کرده، باعث می‌شود فرصتی را که باید صرف عبادت و رشد معنوی کند، صرف نقشه کشیدن برای درآمد بیشتر کند؛ و این آلودگی روحی بزرگ‌ترین سد راه تکامل انسان خواهد شد. مثل چنین انسانی مثل پرنده‌ای است که سنگی به پای او بسته شده و پرواز را برای او بسیار سخت کرده است. انسان دل بسته به دنیا اگر اندکی از مال خویش را گم کند، خواب از چشمش ربوده شده؛ حتی در نماز هم فکرش مشغول می‌گردد. این دل مشغولی‌ها نشانه تعلق دل به دنیاست. آیا چنین کسی حال عبادت پیدا می‌کند؟ آیا او می‌تواند سحرخیز بوده، با نشاط در پیشگاه خدا راز و نیاز کند؟ هرگز! این تعلق، بیماری روحی است و مانع او خواهد بود (همان، ص ۴۰۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تعلق و دل بستگی نفس انسان به مسائل مالی، از سویی انسان را به حرص و زیاده‌خواهی و از سوی دیگر به بخل و شح می‌کشاند، که دو آسیب مهم در مسیر رشد و تعالی اخلاقی انسان هستند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: از بخل بپرهیزید؛ زیرا بخل باعث هلاکت امم سابق بر شما گردید. حالت بخل آنان را وارد به دروغ‌گویی می‌کرد و آنان دروغ می‌گفتند. آنان را امر به ظلم کرد؛ آنان هم ظلم کردند. آنان را وادار به قطع رحم کرد؛ آنها هم اطاعت کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۳۰۳).

عذاب دوزخ، دستیابی به نعمت‌های بهشت و رسیدن به قرب الهی، انسان را به‌سوی عمل و نجات از دل‌بستگی دعوت می‌کند. راهکارهای متعددی برای درمان این آسیب وجود دارد؛ در ادامه ضمن اشاره به برخی از آنها، موضوع انفاق یا احسان مالی را به‌تفصیل بیشتر و با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی مورد توجه قرار می‌دهیم.

۸-۱ زهدورزی

زهدورزی در حقیقت دفع‌کننده بیماری دل‌بستگی نفس است. زهدورزی به این معناست که انسان خود را از میل و رغبتی درونی به دنیا دور سازد و اساساً اجازه ندهد تا دل‌بستگی در دل او ریشه بدواند. بدین منظور در حدیث معراج آمده است که پیامبر اکرم ﷺ از خداوند سؤال می‌کند: خداوند! چه راهی را بیامیم تا به زهد دست یابیم؟ خدای سبحان در جواب می‌فرماید: «خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خِفَاءً مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ وَلَا تَذْخِرْ لِنَفْسِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۲۲)؛ اگر می‌خواهی وابسته به دنیا نباشی، باید از «خوردنی‌ها»، «نوشیدنی‌ها» و «پوشیدنی‌ها» کم و به مقدار نیاز استفاده کنی و برای روز مبادا نگه نداری. البته باید توجه داشت که به‌طور کلی ذخیره کردن مذموم نیست؛ بلکه از ذخیره‌ای که از عدم توکل ناشی می‌شود نکوهش شده است. چشم پوشیدن از مظاهر گوناگون دنیا، مانند خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، دیدنی‌ها در تحقق این زهد و عدم دل‌بستگی اثرگذار است. از این‌رو خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا أَحْمَدُ! إِخْذْ أَنْ تَكُونَ مِثْلَ الصَّبِيِّ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْأَخْضَرِ وَالْأَصْفَرِ أَحَبَّهُ وَإِذَا أُعْطِيَ شَيْئًا مِنَ الْحُلُوِّ وَالْحَامِضِ اعْتَرَبَهُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۰)؛ مانند کودک‌کان و خردسالان مباش که چون چشمشان به سبز و زردی بیفتد (مظاهر دنیوی) و یا چیزی به آنها بخشیده شود، فریفته می‌شوند. علامه مصباح یزدی در این‌باره می‌فرماید: برای اینکه انسان به چنین ورطه‌ای فرونیفتد، باید از همان آغاز هرگاه احساس کرد که تمایلش به دنیا در حال افزایش است به خود نهیب بزند و باحالت تدافعی اجازه‌ایبجد تعلق نفس را ندهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ب، ص ۱۹۳).

۸-۲ احسان مالی و انفاق

بی تردید انفاق و همچنین ایشار و بخشش چیزی که محبوب و موردنیاز انسان است، بهترین وسیله برای دل‌کندن از لذایذ مادی و

زندگی است که در این دنیا داشته است. در این‌باره قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنچنان که شایسته ترس از خداست از او بترسید و جز در مسلمانی نمیرید. آنچه از اختیار آدمی بیرون است اصل مرگ است؛ اما چگونه مردن در حیطه اختیار اوست؛ و آنچه مرگ را تعیین می‌کند نوع زیستن است. همین بینش از مرگ و جهان پس از مرگ نیز با قوتی بی‌نظیر به تغییرآفرینی در رفتار انسان کمک می‌کند. بدیهی است برای اصلاح نفس بینش و ایمان به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید عمل نیز در کنار آن قرار گیرد.

علامه مصباح یزدی در این‌باره می‌فرماید: امور دنیوی و مادی که در اختیار انسان قرار گرفته است، اصالت نداشته، صرفاً برای انسان جنبه ابزاری دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۳). در جای دیگر می‌فرماید: دنیا هم می‌تواند به ما بصیرت و بینایی بدهد و هم می‌تواند موجب کوری و گمراهی ما گردد. اگر نگاهتان نگاه ابزاری و آلی باشد، به شما بصیرت خواهد داد و اگر نگاهتان نگاه هدفی و استقلالی باشد، شما را نابینا خواهد کرد. نظیر عینکی است که انسان به چشم می‌زند؛ گاهی شما با عینک و از پشت شیشه‌های آن، افراد و اشیاء را می‌بینید؛ اینجا عینک کمک می‌کند بهتر ببینید. اما اگر کسی وقتی به خود شیشه‌های عینک نگاه کند، نه تنها به دید بهتر او کمک نخواهد کرد؛ بلکه چشم او را ضعیف‌تر می‌کند و از دیدن اشیاء مطلوبش باز می‌دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶).

بنابراین مظاهر دنیا هم می‌توانند اسباب غفلت باشند و هم می‌توانند موجبات تکامل انسان را فراهم آورند؛ بستگی به نوع برخورد ما با دنیا دارد. اگر انسان از قبل زمینه‌هایی را در خود به وجود آورده باشد، با هر مظهری از مظاهر دنیایی که روبه‌رو می‌شود آن را نعمت خدا می‌بیند؛ از این‌رو با دیدن آن، نه تنها غافل نمی‌شود که به یاد خدا می‌افتد. اگر انسان در برخورد با مظاهر دنیا مراقب حلال و حرام خدا باشد و وظیفه‌ای را که خدا در قبال آن برایش معین فرموده انجام دهد، این دنیا اغفال‌کننده و فریب‌دهنده نخواهد بود (همان).

۸. راهکار عملی

پس از اینکه نگاه انسان نسبت به دنیا و آخرت اصلاح شد، انگیزه‌های از غل و زنجیرهای نفسانی، حرکت در مسیر معنوی، دوری از

قسمت‌های پاکیزهٔ اموالی که به‌دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم، انفاق کنید؛ و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید؛ زیرا خود شما حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض [و کراهت]. بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است.

علامه مصباح یزدی می‌فرماید: اگر انسان بخواهد پاک شود و پاکی خویش را حفظ کند، باید دارایی‌های خویش را هرس کرده، اضافی آنها را قطع کند. باید قدری از اموالی را که اندوخته است، به دیگران بدهد؛ وگرنه دل بستگی‌ها مانع رشد و پیشرفت معنوی او خواهند شد. خداوند بخشش قسمتی از مال را تحت عنوان خمس و زکات واجب کرده؛ اما این راه را باز گذاشته است تا انسان‌ها بیشتر انفاق کرده، از آلودگی‌ها دورتر شوند. بنابراین روشن می‌گردد که بهترین روش کاستن تعلقات دنیوی و پاک شدن جان آدمی از چنین تعلقاتی، کمک مالی به دیگران است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۰۱).

روشن است که رهایی از دل‌بستگی هدف غایی برای انفاق نیست؛ این انفاق زمینه‌ای مناسب برای رسیدن به قرب الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سِئِدِخْلَهُمْ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۹)؛ و گروهی از بادیه‌نشینان جزیره‌العرب کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه قرب به خدا و دعا‌های پیامبر می‌دانند؛ آگاه باشید! انفاقشان وسیلهٔ تقرب برای آنان است؛ به‌زودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. البته به این نکته باید توجه داشت که دل‌بستگی انسان به مال و ثروت خلاصه نمی‌شود و طیف وسیعی مانند دل‌بستگی به خود، علم و زیبایی، فرزند، پست و مقام و مانند آن را نیز شامل می‌شود. احسان مالی مقدمهٔ خوبی برای کاستن دل‌بستگی در موارد دیگر نیز هست.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان نقش احسان مالی بر تربیت اخلاقی با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع درون‌دینی و تأکید بر آراء و اندیشه‌های علامه مصباح یزدی تهیه شده است. نتایج این پژوهش نشان داد:

احسان مالی در مواردی به‌کار برده می‌شود که معاوضه و مبادله مادی وجود نداشته باشد و شامل مواردی مانند زکات، انفاق، صدقه، هدیه و اطعام و غیره می‌شود؛ که در همهٔ آنها مالی بدون معاوضه از

تطهیر و مصفا گشتن دل و مصون ماندن از آلودگی به دنیاست؛ چنان‌که قرآن کریم دوری از بخل و دست‌تنگی را زمینهٔ رسیدن به رستگاری معرفی کرده و می‌فرماید: «وَمَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹)؛ کسانی که از بخل و آز نگاه داشته شوند، ایشان اند رستگاران. در جایی دیگر با تعبیری قابل تأمل می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۲)؛ از اموالشان صدقه ای (زکات) بگیر تا بدان وسیله ایشان را تطهیر و تزکیه کنی. خدای متعال نمی‌فرماید از آنها زکات بگیر تا اموالشان پاک گردد و اگر حق فقرا و سایرین و یا مال غصبی در آن است، بدین وسیله از آن بیرون رود و تزکیه گردد؛ بلکه می‌فرماید از آنها زکات بگیر تا خودشان پاک و تزکیه گردند. شاید نکته این بیان آن باشد که دل‌بستگی به مال و دنیا دل انسان را آلوده و بیمار می‌سازد و با پرداخت صدقه و زکات، از تعلق و دل‌بستگی انسان به دنیا کاسته می‌شود و افزون بر مال، روح انسان نیز پاک می‌گردد. از این رو حضرت زهرا علیها السلام در خطبهٔ فدکبه دربارهٔ یکی از اسرار زکات و انفاق می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةٌ لِلنَّفْسِ»؛ و [خداوند] زکات را برای پاک کردن جان و دل قرار داد.

در موارد دیگر نیز قرآن کریم راه درمان این بیماری را چنین بیان می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲)؛ قرآن می‌فرماید: هرگز به نیکی، سعادت و پاکی نخواهید رسید، مگر آنکه از چیزهایی که دوست دارید انفاق کنید، نه چیزهایی که اسباب زحمت است و قصد دور ریختن آنها را دارید. انسان آن قدر به مال علاقه دارد که گاهی انفاق هم که می‌کند، سعی می‌کند از اسکناس‌های کهنه بدهد و اسکناس‌های نو و تمیز را نگاه دارد! این، آغاز علاقه و نگاه استقلالی است که خطرناک است. از این رو حتی باید سعی کند به هنگام انفاق نوترین اسکناسش را بدهد! اگر انسان به این مسائل توجه نکند، آن وقت است که این مال «متاع‌الغرور» می‌شود. اگر در این دام افتاد بیرون آمدن از آن مشکل است. باید از همان ابتدا با انفاق، نگذارد این علاقه شکل بگیرد... این کار باعث می‌شود محبت مال در دلش خانه نکند و بت او نگردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). اتفاقاً قرآن بر روی این نکتهٔ اخیر تأکید داشته، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِأَخِيذِهِ إِلَّا أَنْ تُعْمَضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره: ۲۶۷)؛ ای اهل ایمان، از

ملک فرد خارج و در ملک دیگری قرار می‌گیرد.

معرفی انفاق به عنوان وصف بندگان خاص خداوند، هم‌ردیف قرار دادن انفاق با اعمال نیک دیگر، سفارش به انفاق در دنیا پیش از فرا رسیدن قیامت، داشتن آثار دنیایی فردی و اجتماعی و اخروی معنوی و معرفی خداوند به عنوان گیرنده انفاق هم، نشانه‌های اهمیت انفاق با توجه به آیات قرآن کریم هستند.

قرآن کریم ایمان، پرهیز از منت‌گذاری، انفاق از مال حلال، پاک و محبوب، میانه‌روی در انفاق، انفاق پنهانی، کوچک شمردن انفاق، ایثار، انفاق در شرایط سخت و اخلاص و دوری از ریاکاری را که در سازندگی اخلاقی انسان اثر دارند را به عنوان شرایط انفاق معرفی کرده است.

علامه مصباح یزدی حکمت زیبایی و جذابیت دنیا را ایجاد انگیزه و حرکت برای تداوم حیات انسان در دنیا و تحمل رنج‌ها و سختی‌ها برای تحصیل علم، معرفت و عبادت خداوند معرفی کرده‌اند. این جذابیت و زیبایی همراه با تلاش و زحمت برای کسب مال و دارایی منجر به علاقه و دل‌بستگی انسان می‌شود. البته دل‌بستگی‌های انسان فقط به مسائل مالی معطوف نمی‌شود و شامل دل‌بستگی به جان، مال، فرزند، پست و مقام نیز می‌شود.

این علاقه و دل‌بستگی اگر شدید باشد، بسیار خطرناک است و می‌تواند انسان را به کفر بکشاند و یا دست کم، فکر انسان را مشغول کرده و فرصت عبادت و رشد معنوی را از انسان سلب کند.

برای درمان این دل‌بستگی و وابستگی نخست باید انسان نگاه خود را نسبت به دنیا و آخرت و مرگ اصلاح کند. دنیا را هدف و اصل نبیند و به آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به کمال و ارزش نگاه کند. رعایت حلال و حرام زمینه مناسبی برای دوری از غفلت و فریب دنیا خواهد بود. زهدورزی به معنای بی‌میلی و بی‌رغبتی درونی به دنیا، راهی مناسب برای دفع دل‌بستگی است؛ اما انفاق و ایثار و بخشش چیزی که محبوب و مورد نیاز انسان است، بهترین وسیله برای دل‌کنند از لذایذ مادی و تطهیر و مصفاگشتن دل و مصون ماندن از آلودگی به دنیا است. احسان مالی مقدمه مناسب برای کاهش دل‌بستگی در همه حوزه‌هاست.

منابع

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ق، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تسنیم*، قم، اسراء.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت. ✽
خارستانی، اسماعیل و فاطمه سیفی، ۱۳۹۳، «انفاق در اسلام»، *راهبرد توسعه*، ش ۳۹، ص ۱۳۲-۱۷۱.

خاکپور، حسین و همکاران، ۱۳۹۵، «نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات»، *تاریخ پژوهشی*، ش ۲۹، ص ۱۳۹-۱۶۴.

دهقانپور، علیرضا و ژیلای بخشی، ۱۳۹۳، «معناشناسی احسان در قرآن»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، دوره پنجم، ش ۱۷، ص ۸-۶۱.
دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف الرضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
صابری، غلامعباس، ۱۳۸۵، *نقش انفاق در تربیت انسان از منظر آیات و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، جامعه المصطفی العالمیه.

صدر، سیدموسی، ۱۴۰۰ق، *انفاق*، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.

عبدالله‌زاده آرنی، رحمت‌الله و همکاران، ۱۳۹۸، «بررسی انفاق در قرآن»، *قرآن‌شناخت*، ش ۲۳، ص ۷۳-۹۰.

عرب عامری، احمد و زهرا سرجوانی شیرازی، ۱۳۹۴، «تأثیر اخلاقی انفاق از دیدگاه کتاب و سنت»، در: *همایش سراسری علمی - پژوهشی شناخت اخلاق و آداب حسینی*.

کاظمی‌نسب، رحمان و محمدناصر داوودی، ۱۳۹۹، «نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن کریم»، *پژوهش و مطالعات اسلامی*، سال دوم، ش ۱۴، ص ۱۳-۲۲.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت. ✽

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۳، *به سوی او*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽
_____، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽
_____، ۱۳۹۰، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽

_____، ۱۳۹۱، *رساترین دادخواهی و رؤیتگری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽

_____، ۱۳۹۲، *آیین پرواز*، تلخیص جواد محدثی، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽

_____، ۱۳۹۳، *الف، انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽

_____، ۱۳۹۳، *ب، جبرعه‌ای از فریای راز*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽
_____، ۱۳۹۴، *الف، اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽

_____، ۱۳۹۴، *ب، جنگ و جهاد*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ✽
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، قم، امیرالمؤمنین. ✽

همت‌بناری، علی، ۱۳۷۹، «بررسی اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی. ✽ در نهج‌البلاغه»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۴، ص ۵۶۸-۵۳۹.